



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۳۷)

فقر

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۷

پیشگفتار

به‌منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقه‌مندان با مفاهیم اقتصادی و به‌کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیشرو، سی‌وهفتمین خروجی این ایده می‌باشد. به‌منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

مفهوم فقر و ابعاد مختلف آن

سازمان ملل متحد در توصیف فقر چنین بیان داشته است که "فقر در شکل‌های مختلف از قبیل کمبود درآمد برای معیشت پایدار؛ گرسنگی و سوء تغذیه؛ بیماری و مرگ‌ومیر ناشی از آن؛ بی‌خانمانی؛ ناامنی؛ محرومیت و تبعیض اجتماعی نمود پیدا می‌کند. این پدیده همچنین خود را به شکل عدم توانایی برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و مدنی نشان می‌دهد".

از نظر بانک جهانی نیز «فقر، محرومیت از رفاه است». این نهاد فقر را چنین تعریف می‌کند: فقر گرسنگی، فقر نداشتن سرپناه و لباس، بیمار بودن و درمان نشدن، بی‌سواد بودن و مدرسه نرفتن است. بانک جهانی همچنین تاکید می‌کند برای فقرا در فقر زیستن چیزی فراتر از اینهاست. چراکه فقرا اغلب بسیار آسیب‌پذیرند و در معرض انواع خطرات و بی‌عدالتی‌ها قرار دارند که خارج از اراده آنهاست. آنها همچنین از سوی نهادهای دولتی و اجتماعی و حتی جامعه به‌شدت مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و از این طریق صدا و قدرت خود را در این نهادها از دست می‌دهند.

ماهیت فقر و سیر تحول آن

در خصوص فقر، تعاریف و رویکردهای مختلفی اعم از فقر مطلق یا نسبی، فقر درآمدی یا چندبعدی ارائه شده است. در ادامه به برخی از مهمترین تعاریف و دیدگاه‌های موجود به فقر اشاره خواهد شد.

نخستین تلاش‌های نظام‌مند برای تعریف، اندازه‌گیری و درک ماهیت فقر به قرن نوزدهم میلادی در انگلستان بازمی‌گردد که سی‌بوهم روانتری^۱ مفهوم فقر مطلق را مطرح کرد. روانتری به‌عنوان یکی از پیشگامان مطالعات فقر، در سال ۱۸۹۹ با جمع‌آوری اطلاعات مفصلی در خصوص اهالی شهر یورک در انگلستان، خانوارهایی را که مجموع درآمد آنها برای دستیابی به حداقل معاش (منابع موردنیاز برای حفظ سلامتی و تامین کارایی جسمانی و یا حداقل نیازهای ضروری زندگی برای بقا) کافی نبود، فقیر نامید. روش کار روانتری به این ترتیب بود که ابتدا حداقل هزینه تامین غذا، لباس، سوخت، اجاره و لوازم خانگی را برای خانوارها با سایزهای مختلف تخمین زد و آن را "خط فقر (مطلق)" نامید سپس تمام خانوارهایی که درآمد هفتگی‌شان از خط فقر تعیین شده (بر اساس سایز خانوار) کمتر بود، فقیر اعلام کرد.^۲ مطالعات روانتری و مفهوم حداقل معیشت و فقر مطلق او الهام بخش بسیاری از مطالعات بعدی در حوزه فقر بود.

در دهه ۷۰ میلادی، مفهوم جدیدی به اسم فقر نسبی که در مقابل فقر مطلق قرار دارد مطرح گردید. پیتر تاون‌سند^۳ از جامعه‌شناسان به نام و استاد سیاست‌های اجتماعی بین‌المللی در مدرسه اقتصاد لندن به‌عنوان یکی از پیشگامان این ایده، چنین بیان داشت که مفهوم فقر مطلق بر پایه این فرض بنا شده که حداقلی از نیازهای اساسی وجود دارد که برای همه مردم در همه جوامع یکسان است، حال آنکه چنین نیازهایی نه فقط در بین جوامع گوناگون بلکه حتی در داخل یک جامعه واحد نیز متفاوت‌اند. از نظر تاون‌سند در یک جامعه زمانی می‌توان افراد، خانوارها و گروه‌ها را فقیر محسوب کرد که منابع لازم یا مطلوب برای تهیه انواع غذاها، مشارکت در فعالیت‌ها و برخورداری از امکانات و شرایط معمول در جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را از دست داده باشند و یا منابع در اختیار آنها به‌طور جدی و اساسی از متوسط فردی یا خانوادگی متعارف کمتر باشد که نتیجه این امر کنار گذاشته شدن این گروه از افراد از زندگی اجتماعی، رسوم و فعالیت‌ها می‌باشد. با توجه به تعریف ارائه شده از سوی تاون‌سند می‌توان گفت در رویکرد نسبی به فقر، مردمی فقیر محسوب می‌شوند که درآمدشان حتی اگر برای بقا کافی

^۱ Seebohm Rowntree

^۲ به‌عنوان مثال بر اساس محاسبات روانتری، حداقل هزینه هفتگی برای یک خانواده ۵ نفره، ۱۷ شگلینگ و ۸ سنت تخمین زده شد و تمام خانوارهای ۵ نفره که درآمد هفتگی آنها کمتر از این مبلغ بود فقیر تلقی شدند.

^۳ Peter Townsend

باشد از درآمد موردنظر اجتماع بسیار پایین‌تر است (ارشدی، ۱۳۹۲). در رویکرد نسبی فقر نیز مانند فقر مطلق، برای تفکیک فقرا از دیگر افراد، از خط فقر نسبی استفاده می‌شود که به‌صورت درصد معینی از میانه (یا سطح متوسط درآمد جامعه) و یا به‌شکل مرز درآمدی که درصدی معینی از افراد جامعه پائین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف شده است. به‌عنوان مثال در آمریکا، افرادی که درآمد آنها پائین‌تر از چهارپنجم میانه درآمدی جامعه باشد، فقیر محسوب می‌گردند. این معیار در مالزی دوسوم میانگین درآمدی و در اتحادیه اروپا ۶۰ درصد متوسط درآمد جامعه می‌باشد (کشاورز، ۱۳۹۳).

از نظر آمارتیا سن^۱ (نوبلیست اقتصاد در سال ۱۹۹۸)، استفاده از مفهوم فقر مطلق برای کشورهای در حال توسعه که همچنان گرفتار گرسنگی هستند و به‌کارگیری مفهوم فقر نسبی برای کشورهای توسعه یافته که فقر مطلق را پشت سر گذاشته‌اند، مناسب است. لازم به ذکر است که از آنجا که بر اساس خط فقر نسبی هر قدر هم درآمد افراد جامعه بالا باشد و تمامی آحاد آن از حداقل نیازها برخوردار باشند، همواره عده‌ای از افراد فقیر محسوب می‌شوند. در اکثر مطالعات، از خط فقر مطلق استفاده می‌شود. چرا که فقر مطلق بر خلاف فقر نسبی در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی تغییر می‌کند (ارشدی، ۱۳۹۲).

در سال ۱۹۸۷، آمارتیا سن با بیان این‌که فقر صرفاً پدیده‌ای تک‌بعدی نیست که بتوان آن را به‌صورت کمبود درآمد تعریف کرد، رویکرد جدیدی از فقر را تحت عنوان "فقر چند بعدی" بنیان نهاد. سن اظهار داشت فقر هنگامی ایجاد می‌شود که افراد از توانمندی‌ها و قابلیت‌های اساسی محرومند و بنابراین درآمد یا تحصیلات مناسبی ندارند یا از سطوح پایینی از سلامت و بهداشت برخوردارند، در نانمینی به سر می‌برند، اعتماد بنفس پایینی دارند، همچنین احساس ناتوانی و محرومیت از حقوقی که یک فرد از بدو تولد و در مقاطع مختلف زندگی در ابعاد گوناگون (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ..) از آن برخوردار می‌شود را تجربه می‌کنند (World Bank, 2009). لازم به ذکر است که بانک جهانی و سازمان ملل متحد برای اندازه‌گیری فقر در سطح جهان، فقر مطلق و فقر چندبعدی را اندازه‌ای می‌کنند.

¹ Amartya Kumar Sen

علل و ریشه‌های فقر

علل فقر را می‌توان در دو سطح کلان و خرد مورد بررسی قرار داد. در سطح کلان، رشد کم و درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی و انسانی پایین و ضعف ساختارهای صنعتی؛ زیرساخت‌ها و نهاد‌های معیوب، ساختار نامناسب بازار کار، سیستم قضایی ناکارآمد و ضعف در حکمرانی خوب، عدم ثبات سیاسی و اقتصادی، مشارکت عمومی پایین، امنیت ملی و منطقه‌ای ضعیف؛ ضعف در زیرساخت‌ها و دسترسی به آنها^۱؛ شرایط جغرافیایی دشوار، محدودیت‌های اقلیمی، شرایط آب‌وهوایی نامناسب و منابع طبیعی کم می‌توانند از علل بروز فقر باشند.

در سطح خرد، شرایط نامناسب اقتصادی خانوارها (از قبیل درآمد ناکافی برای رفع نیازهای اولیه و حداقلی از امکانات بهداشتی و آموزشی، اشتغال ناپایدار یا بیکاری، اراضی‌های کم‌بازده و ناپایدار)، ویژگی‌های اجتماعی ضعیف (شامل بهداشت و سلامت نامناسب، سوءتغذیه؛ ابتلاء به بیماری‌های واگیردار؛ بی‌سواد یا کم‌سواد بودن؛ شرایط نامناسب سکونت‌گاه اعم از در دسترس نبودن آب آشامیدنی سالم، خدمات ارتباطی ضعیف، عدم دسترسی به برق و سایر منابع انرژی، دفع غیربهداشتی فاضلاب، عدم دسترسی به جاده‌ها و مسیر طولانی تا محل کار) و ضعف در خصوصیات جمعیتی خانوارها (پرجمعیت و جوان بودن خانوار، زنان سرپرست خانوار) به‌عنوان بخشی از علل فقر شناسایی شده‌اند (سالام، پاییز ۱۳۹۷).

پیامدهای فقر

فقر معضلات اجتماعی و اقتصادی مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می‌آورد. این پدیده که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ثبات اقتصادی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید می‌کند و موجب افزایش مرگ‌ومیر به خصوص در میان نوزادان، مادران و همچنین کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسان‌ها و کاهش مشارکت در بازار کار، تنزل بهره‌وری نیروی کار، کاهش رشد اقتصادی، افت سرمایه اجتماعی، افزایش هزینه‌های خدمات اجتماعی، افزایش جرم و جنایت و فساد می‌گردد. این پدیده هنگامی که از نسلی

^۱ مانند عدم دسترسی به جاده‌های هموار، برق، بازارهای بزرگ، مدارس و مراکز درمانی، فاصله زیاد با مراکز اداری محلی.

به نسل دیگر تداوم یابد ریشه دوانده و به یک فرهنگ تبدیل می‌شود آنچنان که به مانعی پایدار در مقابل توسعه تبدیل می‌گردد (حسن‌زاده، ۱۳۷۹).

آرمان جهانی کاهش فقر

سازمان ملل متحد در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۰، اعلام کرد در سه دهه اخیر کشورهای در حال توسعه پیشرفت‌های اقتصادی چشمگیری داشته‌اند، اما همچنان بیش از یک میلیارد نفر در این کشورها در فقر مطلق به سر می‌برند، ۹۰۰ میلیون بزرگسال قادر به خواندن و نوشتن نیستند و ۱،۷۵ میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، ۱۰۰ میلیون نفر بی‌خانمان هستند و در حدود ۸۰۰ میلیون نفر هر روز گرسنه هستند. ۱۵۰ میلیون کودک زیر ۵ سال دارای سوء تغذیه هستند و ۱۴ میلیون کودک قبل از رسیدن به ۵ سالگی می‌میرند. از همین رو، این سازمان کاهش فقر مطلق و محرومیت‌های انسانی در سراسر جهان را در اولویت قرار داد و آنها را تحت عنوان اهداف توسعه هزاره معرفی^۱ نمود. بر همین اساس کشورهای عضو متعهد شدند تعداد فقرا در سال ۱۹۹۰ را تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش دهند. همچنین، در راستای فراگیر نمودن آموزش ابتدایی، رفع اختلاف جنسیتی در سطوح آموزش ابتدایی و راهنمایی، کاهش مرگ و میر مادران و کودکان، دستیابی همگانی به خدمات بهداشتی و تنظیم خانواده، تکمیل و اجرای راهبردهای ملی برای توسعه پایدار توسط کشورها و معکوس کردن روند اتلاف منابع محیطی تلاش کنند. لازم به ذکر است که هدف کاهش فقر مطلق، ۵ سال زودتر در سال ۲۰۱۰ محقق شد (World bank, 2019).

در سال ۱۹۹۰، بانک جهانی نیز در گزارش توسعه جهانی، به محرومیت‌های وسیع و وجود بیش از یک میلیارد فقیر در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد که نشان‌دهنده عدم بهره‌مندی فقرا از رشدهای اقتصادی تجربه شده در این کشورها در سه دهه اخیر بود. از همین رو این بانک نیز با بیان اینکه دهه‌های گذشته برای بسیاری از فقرای جهان دهه‌ای از دست رفته بوده است، مسئله مبارزه با فقر را چالش بزرگ دهه ۱۹۹۰، نامید (WDR, 1990) و رویای خود را جهان بدون فقر اعلام کرد و برای این منظور شناسایی فقرا و اندازه‌گیری فقر در سراسر جهان را در دستور کار خود قرار داد.

¹ Millennium Development Goals (MDGs)

سیاست‌های کاهش فقر

بر اساس رهنمودهای بانک جهانی مهمترین عامل موفقیت در کاهش فقر، توسعه اقتصاد ملی است. با این حال این نهاد تاکید می‌کند از آنجا که فقر حاصل تعامل تمامی فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که یکدیگر را در جهت افزایش یا کاهش فقر تقویت می‌کنند، بنابراین برای مبارزه با آن باید با اقداماتی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی در راستای بهبود فرصت‌ها؛ توانمندسازی؛ و ارتقاء امنیت برای فقرا، به‌طور همزمان تلاش کرد. در واقع پیشرفت در این سه حوزه می‌تواند نیروی محرکه لازم برای کاهش فقر را به وجود آورد.

لازم به ذکر است که با آنکه به‌طور کلی اقدام در هر سه زمینه مطلوب است اما تعیین اولویت‌ها در این خصوص، به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر کشور یا جامعه بستگی دارد.

بهبود فرصت‌ها: رشد اقتصادی پایین، بازارهای غیرقابل نفوذ، کمبود فرصت‌های شغلی و دارایی - های ناچیز، مردم را در فقر مادی گرفتار می‌سازد. به‌همین دلیل بهبود فرصت‌ها بر پایه سازوکارهایی از قبیل ترویج رشد اقتصادی، گسترش بازارها به نفع فقرا و کمک به افزایش دارایی‌های آنها، یکی از راه‌حل‌های کاهش فقر محسوب می‌شود. برای تحقق رشد سریع و پایدار و مبتنی بر فقر کمتر بیش از هر چیز وجود فضای کسب‌وکار محرک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نوآوری‌های فناورانه ضرورت دارد که پیش‌نیاز آن ثبات سیاسی، اجتماعی و اقدامات تکمیلی دولت از قبیل سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها، شبکه حمل‌ونقل و افزایش مهارت‌های نیروی کار می‌باشد. در خصوص گسترش بازارها نیز، شواهد حاکی از آن است کشورهایی که در تجارت بین‌المللی به‌صورت باز عمل می‌کنند دارای بازارهای مالی توسعه‌یافته و نیز سیاست‌های مالی و پولی مناسب هستند و از رشد بالاتری نیز برخوردارند^۱. کمک به تشکیل دارایی برای فقرا نیز می‌تواند از طریق افزایش قابلیت‌های انسانی مانند آموزش و بهداشت؛ توجه به مسئله مالکیت یا دسترسی به زمین، زیربناها و خدمات مالی و در نهایت ایجاد شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان دارایی‌های اجتماعی برای آنها، پیگیری شوند.

^۱ البته اثرات اصلاحات بازار بر عملکرد اقتصادی و نابرابری بستگی به شرایط ساختاری و نهادی هر کشور، شامل مزیت نسبی و الگوهای مالکیت دارایی آنها دارد.

توانمندسازی: توانمندسازی به معنای ارتقاء قابلیت‌های فقرا برای چانه‌زنی با موسسات دولتی که عملکردشان بر زندگی آنها تأثیر دارد، است. این کار از طریق تقویت مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های محلی و فرایندهای سیاسی صورت می‌گیرد. تحقق این هدف مستلزم وادار ساختن موسسات دولتی و اجتماعی به کار برای فقرا و به عبارتی گرایش برنامه‌های این نهادها به حمایت از فقرا است. توانمندسازی فقرا بخشی از برنامه‌های گسترده حکمرانی خوب است که ظرفیت‌سازی‌های اداری و مقررات و نیز کاهش فساد را ایجاب می‌کند. زیرا بار اصلی فساد اداری بر دوش فقرا است. ایجاد مبانی قانونی و سیاسی تضمین‌کننده وجود نهادهای شفاف که دارای سازوکارهای مشارکتی و مردم‌سالارانه در امور تصمیم‌گیری و نظارت بر امور اجرایی هستند؛ ایجاد سازمان‌های دولتی ترویج‌دهنده رشد؛ تلاش برای تمرکز دایی و توسعه محلی؛ تلاش برای رفع تبعیض‌های جنسیتی، قومی، نژادی، مذهبی یا اجتماعی که منشاء نابرابری‌ها هستند از جمله اقدامات مفید در راستای توانمندسازی فقرا می‌باشند.

ارتقاء امنیت: افزایش امنیت فقرا به‌معنای کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر ریسک‌هایی چون بیماری‌ها، بحران‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و کمک به آنها برای کاهش اثرات این بحران‌ها است. چرا که این آسیب‌پذیری عاملی برای تشدید وخامت اوضاع فقرا و کاهش قدرت چانه‌زنی در بازار می‌باشد. از جمله سازوکارهای مرتبط با ارتقاء امنیت فقرا عبارتند از: تقویت نهادهای مدیریت ریسک، حمایت از موسسات حامی فقرا، تدوین پودمانی برای کمک به مستمندان که در قالب آن طرح‌های مختلفی برای پوشش ریسک‌ها و انواع گروه‌های جمعیتی اجرا می‌شود^۱، مبارزه با شیوع ایدز، پیشگیری یا حل درگیری‌های داخلی، تدوین برنامه‌های ملی برای جلوگیری و تجهیز و مقابله با تکانه‌های مالی و طبیعی.

اقدامات بین‌المللی: برای محو سریع فقر انجام اقدامات ملی و محلی کافی نیست و اقدامات بین‌المللی (به ویژه توسط کشورهای صنعتی) در بسیاری از حوزه‌ها برای تضمین توزیع متعادل تر منافع توسعه و بهره‌مندی کشورهای فقیر و مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه ضرورت دارد. اقداماتی از قبیل مهار نیروهای جهانی به نفع فقرا؛ ثبات مالی جهانی با این شرط که با پیشرفت تحقیقات و

^۱ شامل بیمه درمان، مستمری بازنشستگی و سالمندی، برنامه‌های کار عمومی، صندوق‌های اجتماعی، برنامه‌های اعتبارات خرد، بیمه بیکاری و پرداخت‌های نقدی و طراحی تورهای ایمنی (چترهای حمایتی).

فناوری، کشورهای فقیر نادیده گرفته نشوند؛ باز شدن بازارهای کشورهای ثروتمند و پیشرفته به روی تولیدات کشورهای فقیر؛ افزایش کمک مالی و بخشودگی بدهی‌ها تا فقرا بتوانند به خود کمک کنند می‌تواند آسیب‌پذیری فقرا را کاهش دهند (بانک جهانی، ۲۰۰۱).

نماگرها و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر

بانک جهانی برای شناسایی فقرا، از سال ۱۹۹۰، خط فقر را به‌عنوان شاخصی استاندارد برای تعیین فقر مطلق و تعریف آن در فقیرترین کشورهای جهان معرفی کرد. روش کار این بانک به این ترتیب بود که ابتدا خطوط فقر ملی^۱ در ۳۳ کشور را بر حسب برابری قدرت خرید (PPPs)^۲ سال ۱۹۸۵، تعدیل نمود و بعد شاخص‌ترین خط فقر در میان کشورهای کم درآمد را که یک دلار در روز بود، به‌عنوان اولین خط فقر بین‌المللی، برگزید. این رقم در سال ۲۰۰۸ بر اساس برابری قدرت خرید سال پایه ۲۰۰۵ به ۱٫۲۵ دلار در روز و در سال ۲۰۱۵ بر اساس برابری قدرت خرید سال پایه ۲۰۱۱ به ۱٫۹ دلار در روز افزایش یافت.

بانک جهانی بعد از تعیین خط فقر بین‌المللی و شناسایی افراد فقیر، با استفاده از برخی شاخص‌ها، اقدام به سنجش میزان، شکاف و شدت فقر مطلق در مناطق و کشورهای مختلف جهان کرد:

- نسبت جمعیت زیر خط فقر (نرخ فقر)^۳

این شاخص به سادگی نسبتی از جمعیت که درآمد یا سطح مصرف آنها زیر خط فقر است را نشان می‌دهد (World Bank, 2010). اندازه شاخص نرخ فقر بین صفر (حالتی که هیچ فقیری در جامعه وجود ندارد) و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر هستند)، تغییر می‌کند و هرچه قدر به یک نزدیکتر باشد به معنی فقر بیشتر در جامعه است. از ضعف‌های این شاخص آن است که

^۱ خط فقر ملی بیان‌کننده میزان مشخصی از مصرف و یا درآمد است که باعث می‌شود فرد با توجه به شرایط داخلی کشور خود، فقیر تلقی نگردد (بانک جهانی، ۲۰۰۸).

^۲ Purchasing Power Parities (PPPs)

شاخص برابری قدرت خرید، برای تبدیل ارزش اسمی خط فقرهای اندازه‌گیری شده با پول‌های مختلف به یک واحد مشترک کاربرد دارد. در واقع، این شاخص برابر تعداد واحدهای پول یک کشور است که برای خرید سبد یکسانی از کالاها و خدمات بر حسب دلار مورد نیاز است.

^۳ Headcount

عمق فقر را برای گروه‌های مختلف فقرا یکسان نمایش می‌دهد در حالی که برخی از فقرا نسبت به برخی دیگر، فقر عمیق‌تری را تجربه می‌کنند.

- شکاف فقر^۱

شکاف فقر (G_i)، عمق فقر یا همان فاصله درآمد افراد فقیر از خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$G_i = (z - y_i) \times I(y_i < z)$$

y_i درآمد آامین فرد جامعه، z خط فقر و $I(y_i < z)$ برای فقرا یک و برای سایر افراد صفر است. متوسط شکاف فقر به صورت نسبی از خط فقر، به این صورت محاسبه می‌گردد:

$$P_1 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \frac{G_i}{z}$$

- شدت فقر (مجذور شکاف فقر)^۲

این شاخص که میانگین توان دوم شکاف‌های فقر را به صورت نسبی از خط فقر اندازه‌گیری می‌کند، میزان نابرابری درآمد میان فقرا را منعکس می‌نماید (World Bank, 2009).

$$P_2 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \left(\frac{G_i}{z} \right)^2$$

علاوه بر بانک جهانی، سازمان ملل متحد نیز به صورت سالیانه اقدام به سنجش فقر در جهان می‌نماید. این سازمان ذیل برنامه توسعه انسانی^۳ خود، علاوه بر اینکه فقر درآمدی را به همان روش بانک جهانی محاسبه می‌کند، از سال ۱۹۹۷، با این استدلال که ابعاد فقر به مراتب فراتر از کمبود درآمد هستند، اقدام به سنجش فقر چندبعدی نموده است. برای این منظور نیز تاکنون دو شاخص معرفی کرده است:

¹ Poverty Gap

² Poverty Severity (Squared Poverty Gap)

³ United Nations Development Programme

- شاخص فقر انسانی (HPI)^۱

این شاخص محرومیت انسان از سه قابلیت طول عمر، دانش و سطح زندگی را مورد سنجش قرار می‌دهد (جدول ۱) (HDR, 1997).

جدول ۱. شاخص فقر انسانی (HPI)

بعد	آستانه محرومیت / فرد محروم است اگر:
محرومیت از طول عمر	درصد افرادی که انتظار می‌رود قبل از ۴۰ سالگی فوت کنند.
محرومیت دانش	درصد افراد بالغی که بی‌سواد هستند.
محرومیت از سطح زندگی	درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند.
	درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند.
	کودکان زیر ۵ سالگی که دچار کم‌وزنی هستند.
هرچه مقدار شاخص فقر انسانی بالاتر باشد نشان‌دهنده فقر انسانی بیشتر است. لازم به ذکر است که آمار این شاخص تا سال ۲۰۱۰ توسط بانک جهانی ارائه گردیده است.	

The Human Development Report, 1997

- شاخص فقر چندبعدی (MPI)^۲

این شاخص که توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان جایگزین شاخص فقر انسانی، معرفی شد، ترکیب محرومیت‌هایی که یک خانوار به‌طور هم‌زمان در ۱۰ زیرشاخص مرتبط با سه بُعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی تجربه می‌کند را اندازه‌گیری می‌نماید. یک خانوار در صورتی که در یک سوم زیر شاخص‌ها یا بیشتر محروم باشد، فقیر محسوب می‌شود (HDR, 2010). برای تشخیص محرومیت خانوارها نیز از آستانه‌های محرومیت به شرح جدول شماره (۲) استفاده می‌شود.

لازم به ذکر است که اندازه شاخص فقر چندبعدی بین عدد صفر تا یک تغییر می‌کند. همچنین برای این شاخص نیز می‌توان نرخ فقر (درصدی از جمعیت که در یک سوم شاخص‌ها یا بیشتر محروم هستند) و شدت فقر (میانگین درصد وزنی محرومیت میان فقرا) را محاسبه کرد.

¹ Human Development Index (HPI)

² Multidimensional Poverty Index (MPI)

جدول ۲. ابعاد، زیرشاخص‌ها و آستانه‌های محرومیت در شاخص فقر چندبعدی

بعد	زیرشاخص	آستانه محرومیت / خانوار محروم است، اگر:
سلامت	تغذیه	افراد بزرگسال یا کودک در خانوار دچار سوء تغذیه باشند.
	مرگ‌ومیر کودکان	کودکی در خانواده فوت کرده باشد.
آموزش	سال‌های تحصیل	اعضاء ۱۰ ساله و بیشتر خانوار، سال تحصیل را به اتمام نرسانده باشند.
	تحصیل کودکان	هیچ‌یک از کودکان در سن تحصیل، در مدرسه حضور نداشته باشند.
استانداردهای زندگی	برق	به برق دسترسی نداشته باشد.
	فاضلاب	سیستم تخلیه فاضلاب نداشته باشد و یا مشترک با خانوار دیگر است.
	سوخت	سوخت خوراک‌پزی چوب، زغال چوب یا کود حیوانی باشد.
	آب	خانوار به آب لوله‌کشی دسترسی نداشته باشد.
	جنس کف-پوش اتاق	کف‌پوش خانه، خاک، شن، ماسه یا کود باشد.
	دارایی‌ها	مالک بیش از یکی از این دارایی‌ها نباشد: رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، یخچال، دوچرخه، موتورسیکلت، اتومبیل یا تراکتوری نیست.

 Source: <http://hdr.undp.org/en/2018-MPI>

نگاهی به وضعیت فقر در جهان

برآوردهای بانک جهانی از برخی شاخص‌های فقر مطلق در مناطق مختلف جهان، به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سال ۲۰۱۵، ۱۰ درصد از جمعیت جهان با درآمدی زیر خط فقر ۱٫۹ دلار در روز زندگی کرده‌اند این در حالی است که در سال ۱۹۹۰، درآمد ۳۵٫۸۵ درصد از جمعیت زیر خط فقر ۱٫۹ دلار در روز بوده است.

جدول ۳: آمارهای فقر بر اساس خط فقر ۱,۹ دلار در روز در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵

منطقه	سال	نرخ فقر (%)	شکاف فقر (%)	شدت فقر	تعداد فقرا (میلیون)
خاورمیانه و شمال آفریقا ^۱	۱۹۹۰	۶,۱۷	۱,۱۵	۰,۳۸	۱۴,۱۸
	۲۰۱۵	۵,۰۱	۱,۲۸	۰,۵۰	۱۸,۶۴
صحرای آفریقا	۱۹۹۰	۵۴,۲۶	۲۴,۳۳	۱۴,۱۵	۲۷۷,۵۱
	۲۰۱۵	۴۱,۱۰	۱۵,۷۹	۸,۲۴	۴۱۳,۲۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۱۹۹۰	۱۴,۱۹	۵,۷۶	۳,۴۱	۶۲,۵۷
	۲۰۱۵	۴,۱۳	۱,۵۴	۰,۹۲	۲۵,۹۰
سایر مناطق با درآمد بالا	۱۹۹۰	۰,۴۸	۰,۲۸	۰,۲۲	۴,۳۲
	۲۰۱۵	۰,۶۸	۰,۴۹	۰,۴۲	۷,۳۲
اروپا و آسیای مرکزی	۱۹۹۰	---	---	---	---
	۲۰۱۵	۱,۴۷	۰,۴۰	۰,۱۸	۷,۱۵
شرق آسیا و اقیانوسیه	۱۹۹۰	۶۱,۶۰	۲۲,۶۴	۱۰,۸۲	۹۸۷,۰۵
	۲۰۱۵	۲,۳۲	۰,۴۶	۰,۱۶	۴۷,۱۸
جنوب آسیا	۱۹۹۰	۴۷,۳۱	۱۳,۲۳	۵,۱۰	۵۳۵,۹۱
	۲۰۱۵
کل جهان	۱۹۹۰	۳۵,۸۵	۱۲,۷۱	۶,۱۲	۱۸۹۴,۸۲
	۲۰۱۵	۱۰	۳,۱۰	۱,۴۹	۷۳۵,۸۶
سایر مناطق با درآمد پایین	۱۹۹۰	۴۳,۱۵	۱۵,۲۷	۷,۳۴	۱۸۹۰,۵۰
	۲۰۱۵	۱۱,۶۲	۳,۵۵	۱,۶۷	۷۲۸,۵۴

 Source: <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/povDuplicateWB.aspx>

از همین رو می‌توان گفت در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ میزان فقر مطلق در جهان کاهش یافته است. با این حال بانک جهانی اعلام نموده با وجود پیشرفت‌هایی که در کاهش فقر حاصل شده است، همچنان تعداد افرادی که در فقر شدید به سر می‌برند غیرقابل قبول است و با توجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته از رشد جهانی، به نظر می‌رسد که در آینده کاهش فقر به اندازه کافی سریع نباشد و احتمالاً نابودی کامل فقر مطلق تا سال ۲۰۳۰ به طول بیانجامد.

^۱ در این برآوردها، ایران در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا لحاظ شده است.

جالب توجه آنکه اگرچه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نرخ فقر از ۶,۲ به ۵ درصد طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۰ کاهش یافته اما بررسی شاخص شدت فقر در این منطقه حاکی از آن است که وضع فقرای آن طی این سال‌ها به مراتب بدتر شده است. ضمناً بهبود شاخص شدت فقر در منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه طی دوره مذکور، کاملاً معنی‌دار و قابل توجه است. جدیدترین برآوردهای سازمان ملل متحد از وضعیت فقر چندبعدی در ۱۰۵ کشور^۱ که ۷۷ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. فقر چند بعدی در مناطق مختلف جهان در سال ۲۰۱۸

منطقه	شاخص فقر چندبعدی	نرخ فقر (%)	شدت فقر	تعداد فقرا (میلیون)
صحرای آفریقا	۰,۳۱۷	۵۷,۸	۵۴,۹	۵۵۹,۶
جنوب آسیا	۰,۱۴۳	۳۱,۳	۴۵,۸	۵۴۵,۹
کشورهای عربی	۰,۰۹۸	۱۹,۲	۵۰,۸	۶۵,۷
آمریکای لاتین و کارائیب	۰,۰۴۲	۱۰,۱	۴۱,۸	۵۲,۳
شرق آسیا و اقیانوسیه	۰,۰۲۵	۵,۹	۴۳,۱	۱۱۷,۷
شرق اروپا و آسیای مرکزی	۰,۰۰۹	۲,۴	۳۸,۹	۳,۵

source: http://www.indiaenvironmentportal.org.in/files/file/global_MPI_Report-2018.pdf

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مجموع حدود ۱,۳ میلیارد نفر برابر با ۲۳ درصد از جمعیت ۵,۷۳ میلیارد نفری جهان، که در سال ۲۰۱۸ در کشورهای مزبور زندگی می‌کردند، فقیر بوده‌اند. لازم به اشاره است که بر اساس شاخص فقر مطلق بانک جهانی، بیشترین نرخ فقر در سال ۲۰۱۵، در سه منطقه صحرای آفریقا (۴۱٪)، سایر مناطق با درآمد پایین (۱۱,۶٪) و خاورمیانه و شمال آفریقا (۵٪) دیده شده است که با نتایج حاصل از بررسی‌های سازمان ملل متحد با استفاده از شاخص فقر چندبعدی در سال ۲۰۱۸ همخوانی دارد. چراکه بر اساس شاخص مذکور، بیشترین نرخ فقر در سال ۲۰۱۸ به ترتیب در صحرای آفریقا (۵۷,۸٪)، جنوب آسیا (۳۱,۳٪) و کشورهای

^۱ اطلاعات مربوط به کشور ما ایران در این برآوردها، لحاظ نشده است.

عربی (۱۹,۲٪) مشاهده شده است. لازم به ذکر است که اطلاعات مرتبط با وضعیت فقر منطقه جنوب آسیا در سال ۲۰۱۸ در دسترس بانک جهانی نبوده است.

تجربه کشورهای موفق در کاهش فقر

در ادامه تجربه دو کشور چین و ترکیه در زمینه کاهش فقر بررسی خواهد شد. چین از سوی سازمان ملل و بانک جهانی به عنوان کشوری موفق در خصوص کاهش فقر معرفی شده است. ترکیه نیز در کاهش فقر پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ و سازماندهی خدمات اجتماعی از تجربه جالب توجهی برخوردار است.

چین

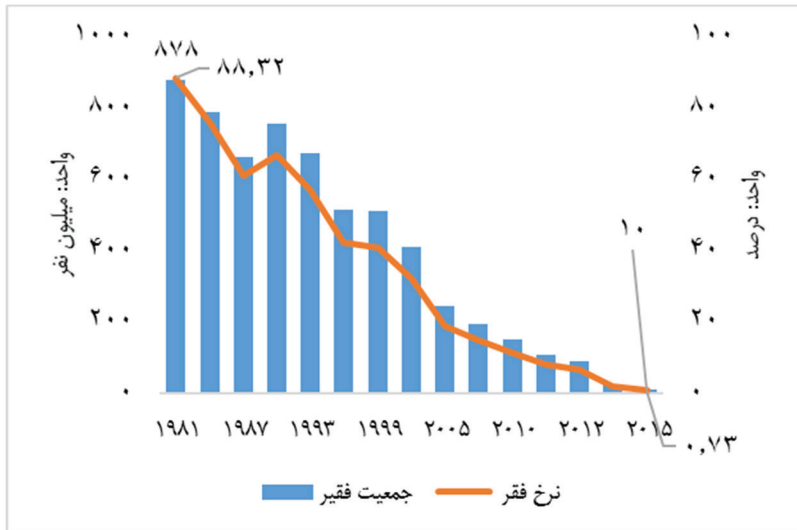
در سه دهه گذشته، رشد اقتصادی گسترده و سریع در چین منجر به رهایی بیش از ۷۰۰ میلیون نفر از فقر (بر اساس خط فقر ملی) در این کشور شده است (World Bank, 2016). همچنین بر اساس خط فقر بین‌المللی ۱,۹ دلار در روز، چین در فاصله سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۱، موفق به نجات حدود ۸۶۰ میلیون نفر از فقر شد به طوری که نرخ فقر در این کشور از ۸۸ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۰,۷ درصد در سال ۲۰۱۵، کاهش یافت (نمودار ۱).

در موفقیت چین دو عامل برجسته به چشم می‌خورد: نخست برنامه اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز که رشد سریع اقتصادی را در این کشور رقم زد^۱ و سپس تلاش مستمر و متمرکز این کشور برای کاهش فقر در جریان اصلاحات از سال ۱۹۷۸ تا امروز (سفارت چین در افغانستان، ۲۰۱۹).

^۱ رشد بالای اقتصادی ناشی از تجارت درهای باز، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، رویکردهای جدید مدیریت اقتصادی؛ آزادی تدریجی قیمت‌ها، تنوع مالکیت و ایجاد شرایط مناسب برای شکوفایی بخش خصوصی، تقویت حقوق مالکیت و اهمیت دادن به سرمایه‌گذاری در خصوص توسعه انسانی و زیرساخت‌ها.

^۲ <http://af.china-embassy.org/eng/>

نمودار ۱: نرخ فقر (درصد) و جمعیت فقیر (میلیون) در چین طی دوره ۱۹۸۱-۲۰۱۵



Source : <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/povDuplicateWB.aspx>

از جمله سیاست‌های چین برای کاهش فقر که در راستای ایجاد فرصت برای فقرا در مناطق آسیب‌پذیر به‌ویژه در روستاها و به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری آنها اجرا شده‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ساخت و انتقال دارایی‌های انسانی و فیزیکی به فقرا از طریق سرمایه‌گذاری در ارتقاء سرمایه انسانی به وسیله گسترش فن‌آوری، بهبود آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی، مبارزه با بیماری‌های واگیردار و معلولیت‌های جسمی، اعطای کمک هزینه‌های دولتی برای حمایت از سرمایه‌گذاری در این مناطق و اعطای وام به خانوارها و کشاورزان فقیر.
- تقویت تولیدات کشاورزی و رشد اقتصادی در روستاها و افزایش فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی از طریق اجرای برنامه FFW^۱ که از مزاد نیروی کار مزارع برای توسعه زیرساخت‌هایی مانند جاده، آبیاری و امکانات آب آشامیدنی استفاده می‌کند.

^۱ Food for work (FFW) program

- تمرکز روی افزایش درآمد خالص سرانه خانوارها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمام وزارتخانه‌های دولتی و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی برای کاهش فقر و تشکیل سازمان‌های ویژه مبارزه با فقر از جمله شورای دولتی برای توسعه اقتصادی و کاهش فقر (LGPRD)^۱ در سال ۱۹۸۶ در راستای هماهنگ‌سازی برنامه‌های کاهش فقر^۲.

ترکیه

ترکیه در فاصله سال‌های ۱۲-۲۰۰۲ موفق شد نرخ جمعیت زیر خط فقر را از ۳۳ درصد به حدود ۳ درصد کاهش دهد. این کشور در کنار افزایش تولید ناخالص داخلی خود از ۲۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۷۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ (رشد بیش از ۳ برابری)، نه تنها در شاخص توسعه انسانی پیشرفت داشت (از ۰٫۶۷۱ در سال ۲۰۰۲ به ۰٫۷۲۲ در سال ۲۰۱۲)، بلکه میزان فقر مطلق را نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. به این ترتیب که هنگامی که در سال ۲۰۰۱ به سبب بحران اقتصادی، معیشت بسیاری از خانوارها در این کشور به خطر افتاد، بسیاری از افراد یک شبه دارایی و شغل خود را از دست دادند و تعداد زیادی از مردم در زمره جمعیت مستحق دریافت کمک‌های اجتماعی قرار گرفتند. لذا دولت ترکیه نظام کمک‌های اجتماعی خود را با تکیه بر یارانه‌ها، پرداخت‌های نقدی و برنامه‌های هدفمند غیرمشارکتی، قوت بخشید. به طوری که مخارج کمک‌های اجتماعی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی از ۰٫۵ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱٫۱ درصد در ۲۰۱۲ رسید. به این ترتیب، ۶ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر تحت پوشش قرار گرفتند و دولت توانست فقر مطلق را بر حسب خط فقر ۱٫۲۵ دلار در روز محو کند (وزارت کار، ۱۳۹۳).

لازم به ذکر است که تا پیش از سال ۲۰۱۱، نهادهای گوناگونی در ترکیه تولید پرداخت‌های مرتبط با کمک‌های اجتماعی (به‌طور عام) و نظام تأمین اجتماعی (به‌طور خاص) را بر عهده داشتند. در نتیجه بیکاران، از کارافتادگان، ایتم، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر اغلب مجبور به اتکا به سایر چارچوب‌های حمایت اجتماعی از جمله حمایت‌های غیررسمی بودند. چندپارگی در ارائه

¹ The State Council's Leading Group for Poverty Reduction and Development.

² <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/386051/eawp-10.pdf>

کمک‌های اجتماعی و خدمات و نیز تکثر در تعداد عاملان و نهادهای درگیر، مشکلات عدیده‌ای را در فرآیندهای تنظیم، هماهنگی و بازرسی مرتبط با کمک‌های اجتماعی ایجاد کرده بود. به این ترتیب، نظام تامین اجتماعی این کشور با این نقد روبرو بود که مزایا را به سوی فقرا هدف‌گذاری ننموده و خدمات را به آنها ارائه نمی‌دهد، در عوض این نظام از کسانی حمایت می‌کند که از طریق روابط گوناگون با سازمان‌های سیاسی پرنفوذ و خیریه‌های موجود توانسته‌اند امتیازاتی به دست بیاورند و کسانی که این روابط را ندارند مجبور به اتکا به خویشاوندان خود هستند. لذا دولت ترکیه به منظور بهبود سازوکارهای هدفمندسازی، رعایت عدالت، کاهش نشتی‌های نظام تامین اجتماعی و پایش اثرگذاری آن، نظام تامین اجتماعی جامع‌تری را ایجاد نمود و برخی از نهادهای درگیر در خصوص حمایت‌های اجتماعی را در یک اداره دولتی متشکل کرد. به این ترتیب، دولت در ژوئن ۲۰۱۱، مسئولیت تمام کمک‌های اجتماعی دولتی در این قالب را زیر چتر وزارتخانه جدید "خانواده و سیاست‌گذاری اجتماعی" گردآوری نمود. (وزارت کار، ۱۳۹۳).

آمارهای مربوط به شاخص‌های فقر در ترکیه در جدول شماره (۵) قابل ملاحظه است. همان‌طور که مشاهده می‌شود هم درصد جمعیت زیر خط فقر و هم شکاف و شدت فقر به‌ویژه در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۱ در این کشور کاهش یافته است.

جدول ۵. شاخص‌های فقر در ترکیه، در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۱۱

سال	خط فقر (دلار در روز)	نرخ فقر (%)	شکاف فقر (%)	شدت فقر	جمعیت میلیون
۱۹۹۰	۱٫۹	۱٫۸۷	۰٫۴۳	۰٫۱۹	۵۳٫۹۲
۲۰۰۲	۱٫۹	۱٫۷۱	۰٫۲۲	۰٫۰۴	۶۵٫۱۴
۲۰۱۱	۱٫۹	۰٫۲۸	۰٫۰۱	۰	۷۳٫۴۱

Source: <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/povDuplicateWB.aspx>

نگاهی به وضعیت فقر در ایران

در ایران، فقر همواره مسئله‌ای مورد توجه بوده است. به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که اهمیت اهدافی از قبیل حمایت از مستضعفان و نیازمندان دو چندان شد و در این راستا نه‌تنها مسئله فقر و رفع آن در اصول ۳، ۲۱، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی و نیز در تدوین و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مورد توجه قرار گرفت بلکه نهادها و سازمان‌های زیادی به‌منظور توجه به مساله فقر و حمایت از رفاه اقشار آسیب‌پذیر شکل گرفت. در ادامه وضعیت کشور در برخی از شاخص-های فقر که در بخش قبلی به آنها اشاره شد، مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

خط فقر

بر اساس برآوردهای بانک جهانی در دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۰، شاخص درصد جمعیت زیر خط فقر ۱,۹ دلار در روز (نرخ فقر)، در ایران از روندی کاهشی برخوردار بوده است.

جدول ۶. شاخص نسبت فقر در ایران (۱۹۹۰-۲۰۱۷)

شاخص	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۷
جمعیت کل	۵۶,۲	۶۶,۱	۷۴,۵	۸۱,۱
درصد جمعیت زیر خط فقر ملی (درصد از جمعیت)
درصد جمعیت زیر خط فقر بین‌المللی ۱,۹ دلار در روز (درصد از جمعیت)	۵,۶	۲,۶	۱	۰,۲

Source : <http://wdi.worldbank.org/tables>

همان‌طور که در جدول شماره (۶) ملاحظه می‌گردد اطلاعات مربوط به خط فقر ملی ایران در دسترس نیست. لازم به ذکر است که در ایران انتشار شاخص خط فقر بر اساس قانون بر عهده وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی است اما این وزارتخانه از سال ۱۳۸۶ هیچ رقمی را در خصوص خط فقر به‌صورت رسمی منتشر نکرده است. ضمناً هیچ نهاد دیگری نیز تا سال‌های اخیر به‌طور رسمی اقدام به محاسبه و انتشار خط فقر ملی در ایران ننموده است. با این حال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌تازگی اقدام به برآورد خط فقر خانوارهای ۴ نفره در میان چهار خوشه

شهری^۱ و پنج خوشه روستایی کشور^۲ در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و بهار و تابستان ۱۳۹۷، نموده است.

جدول ۷: برآورد خط فقر ماهیانه و نرخ رشد آن در مناطق شهری (هزار تومان)

سال	خط فقر	خوشه اول	خوشه دوم	خوشه سوم	خوشه چهارم
سال ۱۳۹۵	خط فقر خانوار ۴ نفره	۱۱۰۹	۹۸۳	۱۳۶۵	۲۰۷۶
سال ۱۳۹۶	خط فقر خانوار ۴ نفره	۱۲۵۳	۱۱۲۹	۱۵۴۴	۲۳۱۶
	نرخ رشد نسبت به سال ۱۳۹۵	۱۳٪	۱۴٫۸٪	۱۳٫۱٪	۱۱٫۶٪
بهار ۱۳۹۷	خط فقر خانوار ۴ نفره	۱۳۱۲	۱۱۸۰	۱۶۱۸	۲۴۵۰
	نرخ رشد نسبت به بهار ۱۳۹۶	۹٫۳٪	۱۰٫۲٪	۱۰٫۹٪	۱۱٫۱٪
تابستان ۱۳۹۷	خط فقر خانوار ۴ نفره	۱۴۸۹	۱۳۳۱	۱۸۱۰	۲۷۲۸
	نرخ رشد نسبت به تابستان ۹۶	۲۵٫۸٪	۴۲٫۳٪	۲۳٫۹٪	۲۲٫۴٪

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذرماه ۱۳۹۷

همان‌طور که در جدول شماره ۷، ملاحظه می‌گردد اولاً بالاترین خط فقر ماهیانه برای شهرستان تهران به‌دست آمده که در سال ۱۳۹۵ برای یک خانوار چهار نفره دو میلیون هفتاد و شش هزار تومان محاسبه شده و در تابستان ۱۳۹۷ در حدود دو میلیون و هفتصد و بیست و هشت هزار تومان برآورد شده است. ثانیاً خط فقر در شهرستان تهران تنها در تابستان ۱۳۹۷ نسبت به بهار همان سال، ۲۷۸ هزار تومان برای یک خانوار ۴ نفره افزایش داشته که این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده قرار گرفتن افراد بیشتری در زیر خط فقر در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال‌های قبل باشد.

بر اساس جدول شماره ۸، اولاً بالاترین خط فقر ماهیانه در مناطق روستایی برای خوشه اول (تهران و البرز) به‌دست‌آمده است که در سال ۱۳۹۵، برای یک خانوار چهار نفره یک میلیون و

^۱ خوشه‌های شهری عبارتند از: خوشه اول: استان‌های مرکزی، آذربایجان غربی و ...؛ خوشه دوم: استان‌های اردبیل، خوزستان و ...؛ خوشه سوم: استان‌های کرمانشاه، البرز و ...؛ خوشه چهارم: شهرستان تهران.

^۲ خوشه‌های روستایی عبارتند از: خوشه اول: تهران، البرز، خوشه دوم: خوزستان، چهارمحال و بختیاری و ...؛ خوشه سوم: آذربایجان شرقی، کردستان و ...؛ خوشه چهارم: زنجان، کرمانشاه و ...؛ خوشه پنجم: سیستان و بلوچستان، ایلام و

صد و شصت و هفت هزار تومان محاسبه شده و در تابستان ۱۳۹۷ یک میلیون و پانصد و هفتاد و هشت هزار تومان برآورد شده است. ثانياً به طور کلی در تابستان سال جاری نسبت به فصل مشابه سال قبل، افزایش فقر در مناطق روستایی شتاب بیشتری نسبت به مناطق شهری داشته است.

جدول ۸: برآورد خط فقر ماهانه و نرخ رشد آن در مناطق روستایی (هزار تومان)

خوشه	خوشه‌ها					
خوشه پنجم	خوشه چهارم	خوشه سوم	خوشه دوم	خوشه اول	خط فقر خانوار ۴ نفره	سال
۵۴۳	۷۴۶	۵۹۲	۶۳۱	۱۱۶۷	خط فقر خانوار ۴ نفره	سال ۱۳۹۵
۶۷۴	۸۵۳	۶۸۶	۷۳۵	۱۳۲۲	خط فقر خانوار ۴ نفره	سال ۱۳۹۶
%۲۱,۱	%۱۴,۴	%۱۵,۸	%۱۶,۴	%۱۳,۳	نرخ رشد نسبت به سال ۹۵	بهار ۱۳۹۷
۶۷۶	۸۹۳	۷۱۲	۷۶۴	۱۳۸۶	خط فقر خانوار ۴ نفره	تابستان ۱۳۹۷
%۱۲,۳	%۱۱,۴	%۱۱,۵	%۹,۳	%۱۰,۶	نرخ رشد نسبت به بهار ۹۶	تابستان ۱۳۹۷
۷۸۱	۱۰۳۹	۸۲۲	۸۷۹	۱۵۷۸	خط فقر خانوار ۴ نفره	تابستان ۱۳۹۷
%۳۰,۲	%۳۰,۴	%۲۸,۴	%۲۸,۶	%۲۵	نرخ رشد نسبت به تابستان ۹۶	

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ماه ۱۳۹۷

در مجموع با توجه به جداول فوق می‌توان گفت خط فقر کلیه خوشه‌ها چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری، از سال ۹۵ روندی افزایشی را طی نموده است. همچنین خط فقر در سال جاری (هم در بهار و هم در تابستان) نسبت به فصل مشابه در سال قبل رشد داشته که این رشد در تابستان شدیدتر بوده است.

در جدول شماره ۹، وضعیت فقر مطلق در ایران، کشورهای منطقه و برخی کشورهای جهان بر اساس اطلاعات بانک جهانی، قابل مشاهده است.

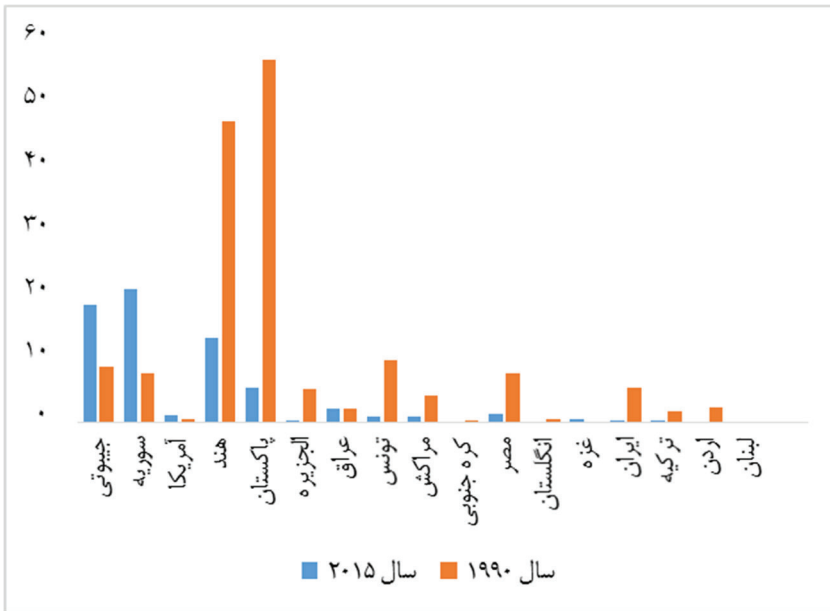
جدول ۹. وضعیت شاخص‌های فقر بانک جهانی (خط فقر ۱,۹ دلار در روز) در ایران و برخی کشورهای (۱۹۹۰-۲۰۱۵)

کشور	سال	نرخ فقر (%)	شکاف فقر (%)	شدت فقر	جمعیت (میلیون)
یمن	۱۹۹۰	۱۰,۹۷	۲,۴۵	۰,۸۶	۱۲,۰۶
	۲۰۱۵	۴۰,۸۵	۱۱,۹۵	۴,۹۵	۲۶,۹۲
جیبوتی	۱۹۹۰	۸,۷۷	۲,۲۸	۰,۹۲	۰,۵۹
	۲۰۱۵	۱۸,۶	۶,۳	۳,۲۵	۰,۹۳
سوریه	۱۹۹۰	۷,۸۴	۱,۳۹	۰,۳۹	۱۲,۴۵
	۲۰۱۵	۲۱,۱۹	۴,۷۵	۱,۵۸	۱۸,۷۳
الجزیره	۱۹۹۰	۵,۲۸	۰,۷۶	۰,۱۶	۲۵,۹۱
	۲۰۱۵	۰,۳۵	۰,۱۳	۰,۱۱	۳۹,۸۷
عراق	۱۹۹۰	۲,۱۹	۰,۳۶	۰,۰۹	۱۷,۴۷
	۲۰۱۵	۲,۲۳	۰,۳۳	۰,۰۸	۳۶,۱۲
تونس	۱۹۹۰	۹,۸۲	۲,۴۴	۰,۹۵	۸,۲۳
	۲۰۱۵	۰,۹۳	۰,۱۷	۰,۰۵	۱۱,۲۷
مراکش	۱۹۹۰	۴,۲۲	۰,۶۳	۰,۱۵	۲۴,۸۸
	۲۰۱۵	۰,۹۲	۰,۱۶	۰,۰۵	۳۴,۸
مصر	۱۹۹۰	۷,۷۸	۱,۱۳	۰,۲۸	۵۷,۴۱
	۲۰۱۵	۱,۳۵	۰,۱۶	۰,۰۴	۹۳,۷۸
غزه و کرانه باختری	۱۹۹۰	---	---	---	---
	۲۰۱۵	۰,۵۹	۰,۰۹	۰,۰۲	۴,۴۲
ایران	۱۹۹۰	۵,۶۱	۱,۴۲	۰,۶	۵۶,۲۳
	۲۰۱۵	۰,۳۷	۰,۰۶	۰,۰۲	۷۹,۳۶
اردن	۱۹۹۰	۲,۴۱	۰,۴۳	۰,۱۴	۳,۵۶
	۲۰۱۵	۰,۲۴	۰,۰۴	۰,۰۱	۹,۱۶
لبنان	۱۹۹۰	۰,۰۶	۰,۰۱	۰	۲,۷
	۲۰۱۵	۰	۰	۰	۵,۸۵
ترکیه	۱۹۹۰	۱,۸۷	۰,۴۳	۰,۱۹	۵۳,۹۲
	۲۰۱۵	۰,۲۸	۰,۰۶	۰,۰۲	۷۸,۲۷
هند	۱۹۹۰	۴۷,۳۹	۱۲,۹۲	۴,۸۴	۸۷,۰۱۳
	۲۰۱۵	۱۳,۴۲	۲,۳۸	۰,۶۵	۱۳۰۹,۰۵
پاکستان	۱۹۹۰	۵۷,۳۴	۱۹,۰۱	۸,۴۱	۱۰۷,۶۸
	۲۰۱۵	۵,۴۷	۰,۷۲	۰,۱۵	۱۸۹,۳۸
کره جنوبی	۱۹۹۰	۰,۳۳	۰,۲۱	۳۱,۷۰	۰,۳۳
	۲۰۱۵	۰,۲۵	۰,۱۱	۰,۰۵	۵۱,۰۱
انگلستان	۱۹۹۰	۰,۴۹	۰,۳	۰,۲۳	۵۷,۲۵
	۲۰۱۵	۰,۲۳	۰,۰۹	۰,۰۳	۶۵,۱۳
آمریکا	۱۹۹۰	۰,۵	۰,۳۵	۰,۲۹	۲۴۹,۶۲
	۲۰۱۵	۱,۱۶	۰,۹۶	۰,۸۶	۳۲۰,۹

نکته: اطلاعات برخی از کشورهای مناز جمله بحرین، اسرائیل، کویت، لیبی، مالت، عربستان سعودی، امارات، در این زمینه در دسترس نیست.

لازم به ذکر است که هرچه درصد نرخ فقر، شکاف فقر و میزان شدت فقر در یک کشور بیشتر باشد، به ترتیب نشان می‌دهد درصد بیشتری از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند، فاصله فقرا از خط فقر بیشتر است و در نهایت، نابرابری بین فقرا شدیدتر است.

نمودار ۲ وضعیت نرخ فقر بر اساس خط فقر ۱,۹ دلار در روز در ایران و برخی کشورها (۲۰۱۵-۱۹۹۰)



همانطور که در جدول شماره ۹ ملاحظه می‌گردد:

- در سال ۲۰۱۵، ۰,۳۷ درصد از جمعیت ایران با درآمدی زیر خط فقر ۱,۹ دلار در روز زندگی کرده‌اند، این در حالیست که رقم مورد نظر در سال ۱۹۹۰، ۵,۶ درصد بوده است. به این معنا که جمعیت زیر خط فقر مطلق در ایران طی این سال‌ها کاهش معناداری داشته است. در این مدت همچنین، فاصله فقرا از خط فقر و نابرابری میان فقرا نیز بهبود یافته است. لذا به‌طور کلی در دوره مورد نظر، شاخص‌های فقر مطلق بانک جهانی در ایران بهبود یافته‌اند.

- در سال ۲۰۱۵ در بین کشورهای منطقه منا، بیشترین درصد جمعیت زیر خط فقر (نرخ فقر) مربوط به کشور یمن (۴۰,۸٪) می باشد، کشور ما ایران در این شاخص بین ۱۲ کشور منطقه منا، در جایگاه دهم بعد از کشورهای سوریه، جیبوتی، عراق، مصر، تونس، مراکش و غزه قرار دارد. همچنین، درصد جمعیت زیر خط فقر در ایران در سال ۲۰۱۵، به ترتیب بیشتر از کشورهای انگلستان، کره و ترکیه و کمتر از آمریکا، پاکستان و هند می باشد.
- در بین کشورهای منطقه منا، بیشترین شکاف فقر مربوط به کشور یمن (۱۱,۹۵٪) است. ایران نیز از بین ۱۲ کشور منا که شاخص های فقر توسط بانک جهانی برای آنها اندازه گیری شده است، بعد از کشور اردن بهترین وضعیت را در زمینه شکاف فقر دارد. همچنین، شکاف فقر هم در کشورمان و هم در ترکیه ۰,۰۶ است که در بین کشورهای هند، آمریکا، پاکستان، کره جنوبی، انگلستان و ترکیه، از همه کمتر است.
- در بین کشورهای منطقه منا بیشترین شدت فقر در سال ۲۰۱۵، در کشور یمن وجود داشته است. ایران به لحاظ شدت فقر در بین ۱۲ کشور منطقه منا در رتبه دهم قرار دارد. به این معنا که در سال ۲۰۱۵ از اردن در میان کشورهای منا کمترین نابرابری میان فقرا در ایران وجود داشته است. همچنین شدت فقر در ایران از کشورهای آمریکا، کره و انگلستان کمتر است. در حالی که شدت فقر در ایران و ترکیه برابر است. این شاخص در هند و پاکستان بیشتر از ایران است که این امر حاکی از کمتر بودن نابرابری بین فقرا در ایران نسبت به دو کشور هند و پاکستان می باشد.

فقر چندبعدی

همان طور که در بخش های قبلی مطرح گردید ایران، در میان ۱۰۵ کشوری که سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ شاخص فقر چندبعدی را برای آنها محاسبه نموده است قرار ندارد. در داخل کشور نیز مسئول محاسبه شاخص فقر چندبعدی، وزارت تعان، کار و رفاه اجتماعی است که این وزارتخانه نیز با وجود محاسبه این شاخص، اطلاعات آن را به صورت عمومی منتشر نکرده است. با این حال مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در آذر ماه سال ۱۳۹۶، طی گزارشی اقدام به برآورد شاخص فقر چندبعدی به روش های بین المللی و بومی (روش سازگار با داده ها و اقتصاد ایران) نموده

است. در جدول شماره ۱۰، ابعاد و زیرشاخص‌ها و آستانه‌های محرومیت در نظر گرفته شده برای برآورد شاخص چندبعدی فقر به روش بومی نشان داده شده است.

جدول ۱۰. ابعاد، زیرشاخص‌ها و آستانه‌های محرومیت در شاخص فقر چندبعدی بومی

بعد	زیر شاخص	آستانه محرومیت / خانوار محروم است، اگر:
آموزش	تحصیل	سرپرست خانوار، باسواد نباشد
	کودکان	در خانوار حداقل یک کودک در سن تحصیل (۶ تا ۱۶ سال) وجود داشته باشد که تحصیل نمی‌کند.
سلامت	تغذیه	مصرف سرانه کالری افراد خانوار روزانه کمتر از ۲۳۰۰ کالری باشد.
	برق	در منزل به برق دسترسی نداشته باشد.
تسهیلات زندگی	فاضلاب	وجود حمام در خانه. خانواری فقیر است که در خانه حمام نداشته باشد.
	سوخت	سوخت خوراک‌پزی چوب، زغال چوب یا کود حیوانی باشد.
	آب سالم	خانوار به آب لوله‌کشی دسترسی نداشته باشد.
	محل زندگی	مساحت سرانه سکونت خانوار کمتر از ۱۰ متر مربع باشد.
	دارایی‌ها	خانوار حداکثر یکی از کالاهای یخچال، تلویزیون، تلف، ماشین لباسشویی و وسیله نقلیه را در تملک داشته باشد.
نکته: در صورتی که یک خانوار در یک سوم زیرشاخص‌ها محروم باشد فقیر محسوب می‌گردد.		

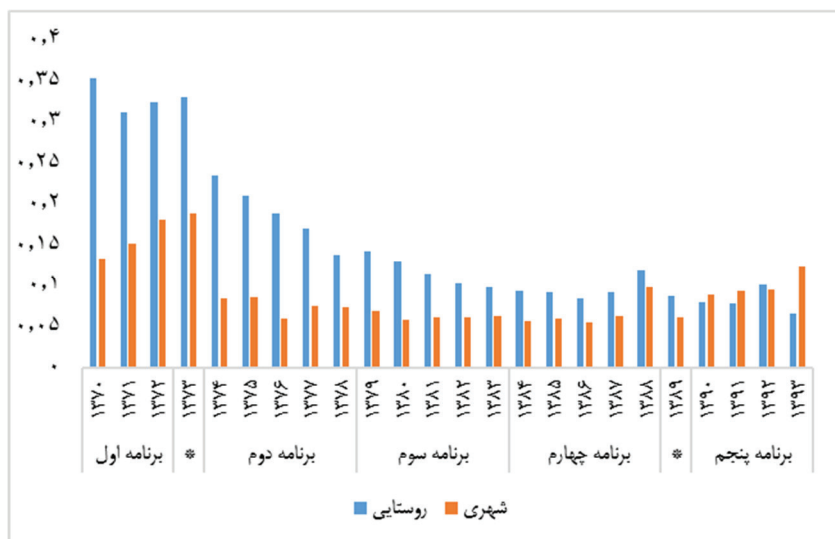
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ماه ۱۳۹۶

جدول شماره ۱۱، سری زمانی شاخص چندبعدی فقر در ایران بر اساس روش‌های بومی و بین‌المللی را در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد. این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند و هر چه مقدار عددی آن بیشتری باشد، به منزله بیشتر بودن فقر چندبعدی در بین خانوارها است. به طور کلی طی دوره ۹۲-۱۳۷۳ روند این شاخص در مناطق روستایی ایران کاهش یافته بوده که نشان‌دهنده بهبود وضعیت مناطق روستایی از این منظر در دوره یادشده می‌باشد. در خصوص خانوارهای شهری ایران، این شاخص تا سال ۱۳۷۳ روندی صعودی داشته است. بعد از کاهش در سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۷ روند تقریباً یکنواختی را طی می‌کند، اما از سال ۱۳۸۷ به بعد به‌طور متوسط صعودی بوده که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا، رکود اواخر دهه ۱۳۸۰ و بروز تحریم‌ها در اوایل دهه ۱۳۹۰ باشد.

جدول ۱۱. شاخص فقر چندبعدي شهري و روستايي ايران (۹۳-۱۳۷۰)

روش بين المللي		روش بومي		سال	روش بين المللي		روش بومي		سال
شهری	روستایی	شهری	روستایی		شهری	روستایی	شهری	روستایی	
۰,۰۶۱	۰,۱۰۰	۰,۰۶۱	۰,۱۰۲	۸۲	۰,۱۳۰	۰,۳۴۵	۰,۱۳۳	۰,۳۵۴	۷۰
۰,۰۶۳	۰,۰۹۷	۰,۰۶۳	۰,۰۹۸	۸۳	۰,۱۵۰	۰,۳۰۴	۰,۱۵۲	۰,۳۱۱	۷۱
۰,۰۵	۰,۰۹۲	۰,۰۵۷	۰,۰۹۳	۸۴	۰,۱۷۹	۰,۳۱۷	۰,۱۸۰	۰,۳۳۴	۷۲
۰,۰۵	۰,۰۹۰	۰,۰۵۹	۰,۰۹۱	۸۵	۰,۱۸۸	۰,۳۳۳	۰,۱۸۹	۰,۳۳۰	۷۳
۰,۰۵	۰,۰۸۳	۰,۰۵۵	۰,۰۸۶	۸۶	۰,۰۸۳	۰,۲۲۸	۰,۰۸۴	۰,۲۳۵	۷۴
۰,۰۶	۰,۰۹۱	۰,۰۶۳	۰,۰۹۲	۸۷	۰,۰۸۴	۰,۲۰۵	۰,۰۸۵	۰,۲۱۰	۷۵
۰,۰۹	۰,۱۱۹	۰,۰۹۸	۰,۱۲۰	۸۸	۰,۰۵۹	۰,۱۸۴	۰,۰۶۰	۰,۱۸۹	۷۶
۰,۰۶	۰,۰۸۷	۰,۰۶۱	۰,۰۸۷	۸۹	۰,۰۷۳	۰,۱۶۶	۰,۰۷۴	۰,۱۷۰	۷۷
۰,۰۸	۰,۰۷۸	۰,۰۸۹	۰,۰۷۹	۹۰	۰,۰۷۲	۰,۱۳۳	۰,۰۷۳	۰,۱۳۷	۷۸
۰,۰۹	۰,۰۷۷	۰,۰۹۳	۰,۰۷۷	۹۱	۰,۰۶۸	۰,۱۳۹	۰,۰۶۹	۰,۱۴۳	۷۹
۰,۰۹	۰,۱۰۱	۰,۰۹۴	۰,۱۰۱	۹۲	۰,۰۵۷	۰,۱۲۷	۰,۰۵۸	۰,۱۳۰	۸۰
۰,۱۲	۰,۰۶۶	۰,۱۲۴	۰,۰۶۶	۹۳	۰,۰۶۰	۰,۱۱۲	۰,۰۶۱	۰,۱۱۴	۸۱

منبع : مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶

نمودار ۳. شاخص فقر چندبعدي بومي در مناطق شهري و روستايي ايران (۹۳-۱۳۷۰)


* در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹ برنامه توسعه اجرا نشده‌اند.

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ ملاحظه می‌گردد:

در میان برنامه‌های توسعه، شاخص فقر چندبعدی بدترین وضعیت خود را در طول برنامه اول، تجربه نمود. در این سال‌ها تلاش دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز و آزادسازی قیمت برخی کالاها، افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها را در پی داشت. لذا محرمیت از تغذیه مناسب در مناطق روستایی و شهری به شدت افزایش یافت و فقر چندبعدی در این مناطق، تشدید شد.

این شاخص بهترین بهبود خود را در طول برنامه دوم توسعه، تجربه کرد. در این دوره، تأکید دولت بر تثبیت اقتصادی منجر به ثبات نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، کاهش نرخ تورم و در نتیجه کاهش فقر در میان خانوارهای روستایی و شهری شد.

به دنبال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در برنامه سوم توسعه، ابتدا تورم افزایش یافت و واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای (به دلیل حذف سهمیه‌بندی‌ها و ارزهای ترجیحی) محدود شد. لذا با وجود کنترل تورم و پیگیری انضباط پولی در ادامه، محرومیت تغذیه‌ای خانوارهای شهری مختصری در طول برنامه مذکور، افزایش یافت. اما در خانوارهای روستایی به دلیل تأکید برنامه بر بخش کشاورزی، مسائل اجتماعی و صنایع کوچک، نه تنها فقر چندبعدی کاهش یافت بلکه، شکاف فقر میان خانوارهای شهری و روستایی نیز کم شد.

در برنامه چهارم توسعه، تزریق درآمدهای نفتی و اعطای تسهیلات، افزایش رشد اقتصادی را در پی داشت. لذا در سال‌های ابتدایی این برنامه، فقر چندبعدی در همه مناطق، بهبودی جزئی را تجربه کرد. در ادامه به واسطه شکل‌گیری فشارهای تورمی (ناشی از رشد نقدینگی، بودجه‌های انبساطی، تسهیلات مسکن مهر و تنش در روابط خارجی)، فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی افزایش یافت. این شاخص در سال ۸۹ با بهبود رشد اقتصادی و کاهش تورم، تاحدی بهتر شد.

در برنامه پنجم به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و اجرا و تشدید تحریم‌ها، نرخ تورم افزایشی قابل توجه را تجربه و رشد اقتصادی نیز روند کاهشی را طی کرد (۱٫۹٪- در سال ۹۲). مجموعه این عوامل، سبب افزایش فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی شد. با روی

کارآمدن دولت جدید به واسطه بهبود روابط خارجی، کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی، محرومیت تغذیه‌ای در مناطق روستایی، بهبود یافت اما در مناطق شهری به دلیل برقراری تحریم‌ها علیرغم شروع مذاکرات و بالا بودن نرخ بیکاری، فقر چندبعدی روند افزایشی را تجربه نمود (مرکز پژوهش‌های مجلس، آذر ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های فقر در ایران حاکی از آن است که علی‌رغم درگیری نهادها و سازمان‌های مختلف با مسئله فقر، این پدیده همچنان یکی از جدی‌ترین معضلات کشور است. از علل بقای فقر در کشور در کنار نبود یک برنامه جامع ملی ضد فقر، می‌توان به نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از عوامل داخلی اعم از محیط کسب‌وکار نامناسب، فضای نامساعد سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ساختار ضد تولید و غیرمولد اقتصاد ملی، چارچوب نهادی معیوب، تورم فزاینده، ناپایداری و عدم ثبات رشد اقتصادی و عوامل خارجی به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی، اشاره کرد. متأسفانه اقدامات صورت گرفته در راستای بهبود شاخص توسعه انسانی در کشور، کمک چندانی به فقرا نکرده است. چراکه از یک طرف به‌دلیل ساختارهای انگیزشی معیوب، بخش خصوصی انگیزه و مجال کافی برای حضور، سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال ندارد و از سوی دیگر ضعف نظام آموزشی در تربیت نیروی کار مورد نیاز بازار کار، منجر به عدم شکل‌گیری فرصت‌های شغلی متناسب با پتانسیل‌های اقتصاد ملی شده است که این مسأله دستیابی اقشار آسیب‌پذیر به اشتغال پایدار را با محدودیت جدی مواجه ساخته است.

از سوی دیگر اقدام دولت در زمینه پرداخت یارانه در قالب اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز اثر معناداری در بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه خانوارهای کشور به‌ویژه فقرا نداشته است. دلیل این امر را می‌توان در عدم شناسایی درست گروه‌های هدف، پرداخت یکسان مبلغ یارانه نقدی به کلیه افراد و نیز کاهش قدرت خرید یارانه‌های عام پرداختی به‌واسطه تورم‌های قیمتی، جستجو نمود. با توجه به توصیه‌های بانک جهانی و تجربه کشورهای موفق در زمینه کاهش فقر، به نظر می‌رسد در راستای کاهش فقر در کشور ضروریست راهکارهای زیر در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد:

- تدوین برنامه جامع کاهش فقر،

- مبارزه با فساد، اصلاح چارچوب نهادی و سیستم پاداش‌دهی در کشور به سمت فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا،
- بهبود محیط کسب‌وکار برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی،
- کنترل تورم به‌منظور جلوگیری از افزایش خط فقر،
- توجه به مسئله حکمرانی خوب در کشور با فراهم ساختن نهادهای پشتیبان بازار،
- افزایش کیفیت قوانین و مقررات در راستای پاسخگو ساختن دولت و سایر نهادها به اқشار آسیب‌پذیر،
- هدفمند نمودن یارانه‌ها از طریق پرداخت‌های انتقالی نقدی هدفمند به جای پرداخت‌های انتقالی نقدی همگانی،
- آموزش اқشار آسیب‌پذیر در راستای ارتقاء مهارت‌ها و شانس آنها برای جذب در بازار کار،
- افزایش امنیت نیازمندان از طریق اجرای سیاست‌های حمایتی هدفمند و ارائه چترهای حمایتی و بیمه‌های اجتماعی،
- توانمندسازی فقراء، رایزنی با آنها و ایجاد کمپین‌های اجتماعی به‌منظور تعامل موثر با تمامی مسئولان و سازمان‌های دولتی،
- تشکیل انجمن‌های محلی.

منابع

- ارشدی، علی (۱۳۹۲)، " بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه"، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحه ۳۳-۴۲
- ارضوم چیلر، مرضیه (۱۳۸۴)، " ابعاد گوناگون فقر در ایران"، بانک مرکزی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی: شماره ۲۷، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- باقری، فریده (۱۳۸۶)، " روند خط فقر و شاخص‌های فقر در ایران"، پژوهشکده آمار، گزیده آماری، سال ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- بساطیان، محمد (۱۳۹۰)، " مسائل و مشکلات فقر در ایران"، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۱-۲۶.
- بانک جهانی (۲۰۰۰-۲۰۰۱): "گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰: مبارزه با فقر"، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر تامین اجتماعی.
- برنامه عمران سازمان ملل (۲۰۱۳)، "برنامه‌های حمایت اجتماعی در ترکیه"، معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۳)، مترجم: جعفر خیرخواهان، تهران، ۱۳۹۳.
- زاهدی، جواد (۱۳۸۴): "فقر روستایی و روند اندازه‌گیری آن در ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- زوز، هادی (۱۳۸۴)، "فقر و نابرابری درآمد در ایران"، مجله: رفاه اجتماعی، تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۷ علمی-پژوهشی/ISC (۴۲ صفحه - از ۱۶۵ تا ۲۰۶).
- خداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری (۱۳۸۴)، «نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی (۱۳۷۹-۱۳۷۱)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۲.
- سوری، علی (۱۳۹۵)، " فقر و نابرابری، رفتار پس‌انداز خانوار، تورم دهک‌ها"، موسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- فطرس، محمدحسن؛ قدسی، سوده (۱۳۹۳)، " روش آلکایر و فوستر برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی"، مجله اقتصادی سال چهاردهم بهمن و اسفند ۱۳۹۳ شماره ۱۱ و ۱۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (آذر ۱۳۹۶)، دفتر مطالعات اقتصادی، "اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران و نگاهی به تجارب جهانی کاهش فقر".
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (آذر ۱۳۹۷)، دفتر مطالعات اقتصادی، "برآورد خط فقر ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷".
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (آذر ۱۳۹۷)، دفتر مطالعات اقتصادی، "خط فقر ایران در سال ۱۳۹۵ و مروری بر روش محاسبه آن".

- کشاورز، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۳)، برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون-گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰، فصلنامه برنامه و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳).

- Rowntree, B. S. (1901): Poverty: A Study of Town Life, Macmillan, London, 1901.
- Townsend, P. (1979), Poverty in the United Kingdom: A Survey of Household Resources and Standards of Living, Middlesex: Penguin.
- World bank,(2009): Handbook on Poverty and Inequality: <http://documents.worldbank.org/curated/en/488081468157174849/Handbook-on-poverty-and-inequality>
- <http://hdr.undp.org/en/2018-MPI>
- UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME:
- Human Development (1997): http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/258/hdr_1997_en_complete_nostats.pdf
- Human Development (2010): http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/270/hdr_2010_en_complete_reprint.pdf
- The 2018 Global Multidimensional Poverty Index (MPI): <http://hdr.undp.org/en/2018-MPI>
- Rowntree, B. Seebohm (1901)," Poverty: A Study of Town Life", Macmillan, London, 1901.
- Townsend, P. (1979),"Poverty in the United Kingdom: A Survey of Household Resources and Standards of Living", Middlesex: Penguin.
- World Bank, World Development Reports(2000): <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/11856>



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

